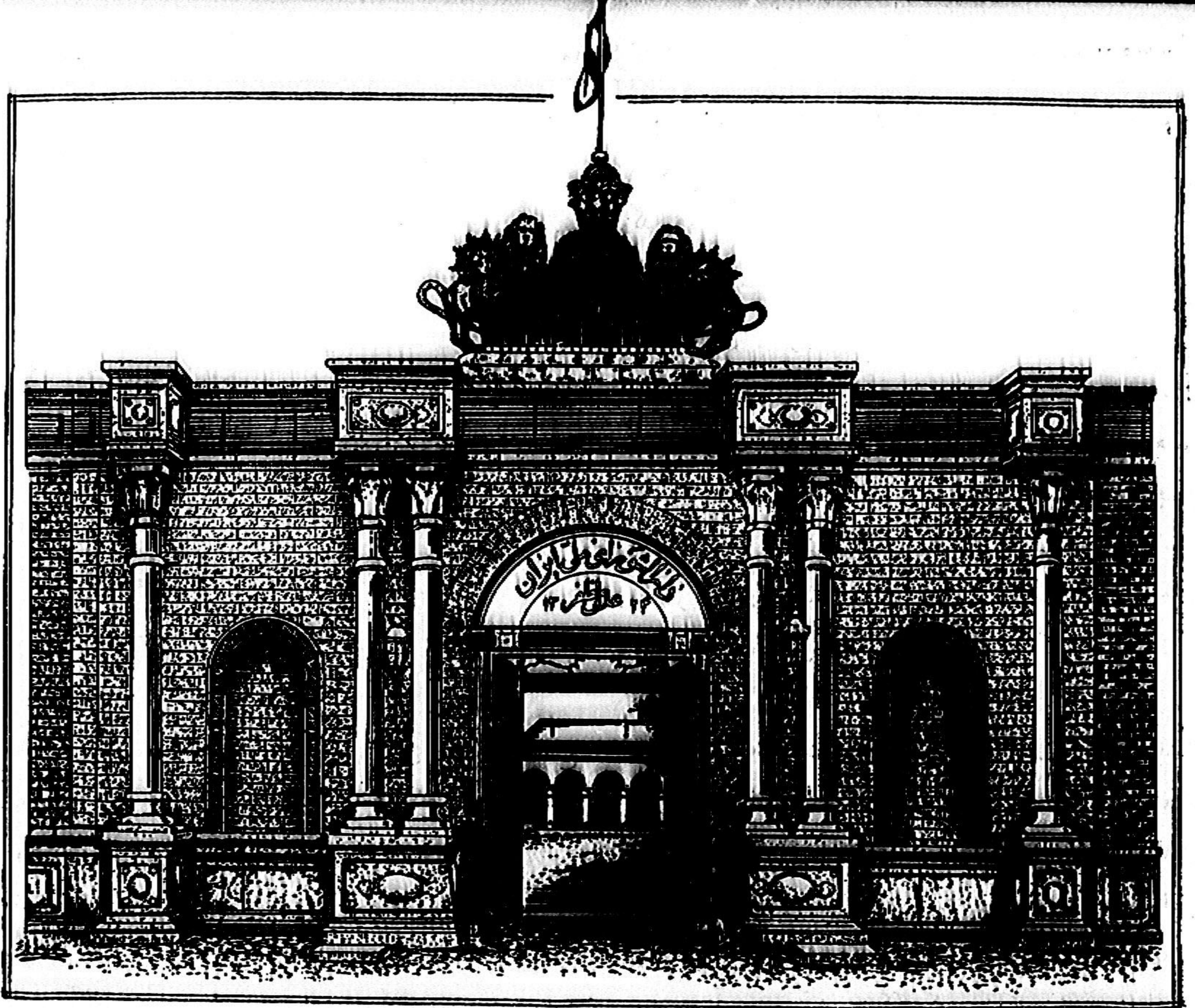


دوره ششم تفهینیه

<p>جلسه ۱۵۰</p>	<h1>ذکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۱۵</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۹ مهرماه ۱۳۰۶ مطابق ۵ ربیع الثانی ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجی دوازده تومان قیمت تک شماره يك قران</p>

فهرست مندرجات

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور ثانی نسبت بقانون بلدی از ماده ۲۸ الی ماده ۳۲	۲۴۹۷	



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۹ مهر ماه ۱۳۰۶ مطابق ۵ ربیع الثانی ۱۳۴۶

جلسه ۱۵۰

(غائبین با اجازه جلسه قبل)

آقایان: دکتر سنک - امام جمعه شیراز - خطیبی -
افشار - ضیاء - زارع - مهدوی - عباس میرزا - مسعود
فرمند - ثقة الاسلامی - فرشی - عدل - جوانشیر -

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر ریاست

آقای پیرنیا تشکیل گردید)

(و صورت مجلس روز پنجشنبه ششم

مهر ماه را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

میرزا ابراهیم آشتیانی - ملک آرائی - صالحی - زعیم
آیه الله زاده اصفهانی -

(غائبین بی اجازه جلسه قبل)

آقایان: اسدی - اعظمی - نظام مانی - باستانی
قوام شیرازی - افسر - حاج حسن آقا ملک - حاج
غلامحسین ملک - افخمی

(دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل)

آقایان: میرزا حسن خان وثوق - عراقی - شریعت
زاده - طباطبائی وکیل -

(دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل)

آقایان: سهراب خان - بهار

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در صورت مجلس بنده دو اصلاح
در نظر دارم یکی اینکه در ماده ۲۶ که راجع به قسم
بود بعنوان تبصره بنده پیشنهادی کردم و در واقع
خواستم يك زمینة در مجلس و ادارات برای قسم پیدا
شود و معلوم شود که نظر مجلس در این قسمت چیست
و در آنجا خیلی باختصار نوشته شده و مقصود این بود
که اینجا مفصل نوشته شود یکی دیگر هم اینکه مقصود
بنده راجع بطرح اعطای قرضه های بلدی از داخله بود
نه از وزارت داخله.

رئیس - اصلاح میشود. صورت مجلس دیگر
ایرادی ندارد؟

(گفتند - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد قانون بلدی از

ماده ۲۸ مطرح است.

(ماده ۲۸ شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۸ - تصمیبات انجمن آنچه مربوط بققرات: ۱ و ۳
و ۷ و ۹ و ۱۴ مذکوره در ماده فوق است. پس از
امضای حاکم باید بتصویب وزارت داخله برسد و بعد بموقع
اجراء گذاشته شود و آن قسمت از تصمیبات انجمن که

مربوط بققرات ۲-۵-۸-۱۲-۱۳-۱۵ مذکوره
در ماده فوق است بعد از امضای حاکم بموقع اجرا
گذارد خواهد شد.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - از جمله چیزهایی را که مربوط بتصویب
انجمن و امضای حاکم قرار داده اند قسمت دوم است
یعنی تصویب بودجه و اعتبارات. بنده کاملاً مخالف هستم
که تصویب بودجه و اعتبارات منحصرأ بتصویب انجمن
وامضای حاکم باشد چون تجربه بما نشان داده است
و اگر آقایان مایل باشند ممکن است مراجعه کنند
باداره مربوطه اش در وزارت داخله که کاملاً مسئله
مکشوف شود. انجمن ها وقتی که بناشد تصویب
بودجه و اعتبارات بسته بنظر خودشان باشد بیشتر
مخارجی که نفعش مردم بر نمی گردد در نظر میگیرند و
حقوق اضافی برای اجزاء و اعضای اداری خودشان قائل
میشوند و آنچه راجع میشود بمنافع مردم کمتر منظور نظر
قرار میدهند. يك فقره راجع به بودجه بلدیة شیراز
بود که آمده و گمان میکنم که نمایندگان محترم شیراز در
نظر داشته باشند و مسبوق باشند که تقریباً بودجه را
برای صرف مخارج خودشان معین کرده اند. بنده گمان
میکم که شخص نباید در چیزی که راجع بحقوق خودش
است اختیارات نام و کامل داشته باشد که هر طور
دانش بخواید تصویب کند و بعد بموقع اجرا بگذارد.

این قسمتش را هم بنده معتقدم که باید مربوط شود
باجازه وزارت داخله یعنی در آن جزء فقرات اول
وارد شود. از جمله اموری که بایستی کاملاً این جا
در نظر گرفت این است که اختیار میدهند بانجمن بلدیة
که راجع باجرت وسائط نقلیه در حوزه بلدی تعیین
قیمت نمایند و چون این اعم است معلوم نیست که
آیا وسائط نقلیه خود شهر باشد یا وسائط نقلیه تجارانی؟
بنده در قسمت وسایل نقلیه تجارانی يك تجریبی دارم
وسائط نقلیه تجارانی بلکه کلیه وسائط نقلیه يك شغل

آزادی است و مشاغل آزاد باید در سایه رقابت بهتر و
اصلاح شود اگر حالا يك اجبارانی برشان وارد آید و
از مجرای طبیعی خودش خارج شود بنده عقیده ام این
است که مردم بیشتر در مضیقه واقع میشوند مثلاً
کرایه مال التجاره از بوشهر به شیراز گاهی که بار زیاد میشود
کرایه تری میگرد و خرواری پنجاه تومان میشود و این
زیادی کرایه سبب میشود که بارکش زیاد می آمد و طبعاً
کرایه تنزل میکرد اما بنا باشد که يك حالت اجباری
در میان باشد بنده معتقدم که مردم در مضیقه واقع میشوند
از جمله مطالبی که باید عرض کنم این است که هفده فقره
در ماده ۲۷ ذکر شده است و بازده فقره آن تکلیفش
این جا معین شده است که پنج فقره آن مربوط به
تصویب وزارت داخله است و شش فقره آن هم بعد از امضای
حاکم اجرا میشود راجع بشش فقره دیگرش تکلیفش
معین نشده و اقلاً این قدر هم ذکر نکرده اند که منحصرأ
کافی است که بامضای خود انجمن یا امضای حاکم یا وزارت
داخله باشد و بالاخره این قسمت رامسکوت عنه گذاشته اند
اگر جای دیگر تکلیفش معین شده است البته آقای مخبر
میفرمایند و بنده هم قانع خواهم شد این خلاصه عرایض
بنده بوده و بعد هم پیشنهادی در این خصوص تقدیم خواهم کرد

رئیس - به بنده تذکر داده شده است که چون

ماده ۲۸ مربوط است. ماده ۲۷ و ماده ۲۷ هم مراجعه

شده است بکمسیون ماده ۲۸. مانند این که تکلیف آن

ماده معین شود...

عده از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - پس ماده ۲۹ قرائت میشود.

(اینقسم قرائت شد)

ماده ۲۹ - انجمن های بلدی با اکثریت دو نلک

می توانند منابع عایدی ذیل را بعنوان «عوارض بلدی»
برای مخارج بلدی برقرار نمایند:

۱ - تا پنج درصد از قیمت اصلی اشیائیکه برای
مصارف و احتیاجات اهالی در حوزه بلدی وارد میشود

و در همان حوزه مصرف میرسد از قبیل ماکولات و
مصالح ساختمان و غیره باستثنای سبزی و سوخت جام و
نانوائی.

۲ - تا پنج درصد فروغ اضافی برمالیاتهای مستقیم
حوزه بلدی و وصول آن بوسیله ادارات مالیه محل
بدون اینکه از این بابت مخارج اداری متوجه بلدیة شود
رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - البته آقایان تصدیق می فرمایند که
احتیاجات مرانی دارد احتیاج در مرحله اولی نان است
و بالاخره برنج و گوشت و اینها و اگر چنانچه حقیقة
نان ارزان شد مردم ممکن است از سایر جهات در رفاهیت
واقع شوند و اگر نان گران شد در عین اینکه سایر
اشیاء یعنی پارچه و غیره ارزان باشد افقته برای مردم
پیدا نمیشود احتیاج مردم به نان و برنج و گوشت در
مرتبۀ اولی است و بلدیة ها باید سعی کنند که نان
و آن چیزهایی که در مرتبۀ اولی واقع شده و طرف
احتیاج است ارزان شود که مردم از این حیث راحت
باشند وقتی که مردم در رفاهیت باشند ممکن است در سایر
چیزها هم جور از آنها استفاده بشود ولی این جا اجازه میدهند
از آن چیزهایی که محل احتیاج بلد است يك عوارضی
بگیرند یعنی جو و گندم و برنج و سایر چیزهایی که
حیات مردم مبتنی بر آن است عوارض بر قرار کنند در
صورتیکه اینها در درجه اول واقع شده اند و حیات
مردم دائر مدار آن است و بایستی تمام مساعی مبذول شود
جهت ارزانی و فراوانیش و بالعکس باید وضع عوارض
کند بر چیزهایی که اگر نباشد مردم نمیگیرند یا چیز
هایی که از نقطه نظر احتیاج در مرتبۀ دوم و سوم و
چهارم واقع شده است بلکه بسیاری از آنها جزو چیز
های مستظرفه است این را بنده خلاف عقل و مصلحت
میدانم از این جهت بنده قائل هستم که آن چیزهایی
که خود انجمن تشخیص میدهد و محل احتیاج مردم
است و قوام مردم بهمش قائم است باید صرف نظر شود

یعنی بلدیه ها عوارض بر آنها تحمیل نکنند از قبیل کتدم و جو و گوشت و امثالش .

میر ممتاز مخبر کمیسیون داخله - موقمی که این موضوع در کمیسیون مطرح بود از نقطه نظر اینکه بعد از تشکیل انجمن بلدی يك عوارضی را با اختیاراتی که فعلا مجلس آن میدهد بتواند وضع کند و از آن عوارض تشکیلات خودش را مطابق قانون بدهد مذاکرات خبلی شد و بالاخره يك روز هم کمیسیون فوق العاده تشکیل شد و با حضور حضرت آقای رئیس و آقای دکتر مصدق در اطراف این موضوع خبلی مذاکره شد که يك راه حل پیدا بشود برای تعیین يك عوارضی که بالاخره متوجه عموم بشود زیرا مصارف بلدیه و منافعش متوجه عامه میشود بالاخره این نظریه در آنجا اتخاذ شد و مذاکره شد که صد پنجم از کلیه مصارف ماکولات شهری را اختصاص بدهند برای مصارف بلدیه این بود که کمیسیون این ماده را تنظیم کرده و در اطرافش خبلی مذاقه کردند البته حالا هم باید خبلی دقت بشود و اگر هم آقای کازرونی نظریاتی دارند ممکن است پیشنهاد کنند سایر آقایان هم پیشنهاداتی بکنند و هر کدام که بنظر مجلس صلاح باشد به کمیسیون مراجعت خواهد کرد و کمیسیون هم موافقت خواهد کرد

رئیس -- آقای بامداد

بامداد - ماده چهار و قسمت اول از ماده بیست و هفت راجع بود باینکه بلدیه عوارضی در شهر تحمیل کند برای انجام وظائفش آن دو ماده نظر آقایان هست که خبلی مورد مذاکره شد و بالاخره بجائی رسید و از طرف مخبر تقاضا شد بکمیسیون ارجاع شود آن دو قسمت حکایت می کرد این قسمت را و ماده المواد این است و باید در اینجا زبانه دقت شود بنده با این قسمت مخالفم یکی بنظر اینکه با قانون اساسی مخالف است که آن روز هم اصل ۱۸ را خواندم صریحاً هر گونه مالیاتی را ممنوع میکند عوارض و فروع را هم

تصریح میکنند و میگویند هیچ نوع مالیاتی را جز مجلس شورای ملی جای دیگر نمی تواند وضع کند و رد و قبول عوارض هم با مجلس شورای ملی است از این قسمت هم بگذریم بنده عرض میکنم که مگر چقدر باید این شهر ها و مردم عوارض و مالیات بدهند؟ بلدیه بندر بهلوی هفتاد هزار تومان در سال عایدی دارد که الان خزانه دارد میدهد...

کی استوان - اهالی میدهند . بامداد - بلی . اهالی میدهند . بلدیه اصفهان سالی چند هزار تومان بلدیه شیراز سالی سی و يك هزار تومان میگیرد این از کجا آمده است؟ این همان عوارضی بود که از مردم بانواع و اقسام می گرفتند و چون فوق العاده اسباب زحمت مردم بود آمدند و قانون هم بهمین را وضع کردند و آنها را الغاء کردند . اگر فرض کنید از جیب خودتان ده تومان در آورید بدهید بکسی یا از جیب شما در بیارند بدهند مگر فرق میکند؟ این مردم بیش از این ناب و تحمل ندارند این صدی پنجم خبلی زیاد است و مردم نمی توانند بدهند شوخی نیست بنا بر این بنده عقیده ام این است همین قلمی را که معین کرده اند از قبیل ماکولات و مصالح ساختمان و غیره تمام عوارض که تحمیل میشد بر شهر ها همین ها بوده است . و الا مالیات غیر مستقیم و مستقیم که یکی دیگر است . و علیحده است و جزو بودجه عمومی دولتی است . الان مدتی است که شما این عوارض شهری را غیر مستقیم کردید که همه مردم بدهند و الا این مردم دارند از تنفسشان پول می دهند يك قلیان و يك سیگار که میکشند مالیات میدهند دیگر ناب دادن يك عوارض دیگر را ندارند . وقتیکه منابع ثروت و کار برایشان پیدا شد البته چیز داره شدند خواهی نخواهی میدهند و اگر شما هم چیزی گرفتید برای مصارف شهری اجحاف نشده است در هر حال بنده تصور می کنم که این ماده که ماده المواد است خبلی محل مذاکره باید واقع شود و اگر آقای

مخبر صلاح بدانند همانطور که آن دو ماده بکمیسیون ارجاع شده است اینهم ارجاع شود که يك قدر متیقنی گرفته شود برای عوارضات و حقیقه این جور نمیشود قبول کرد که صدی پنجم عوارض که دیروز داده اند باز هم بدهند این يك ظلمی است باهالی شهر و واقعا نمی توانند بدهند و خوب است این ماده راجع شود به کمیسیون و همان طوریکه نظر اعضاء کمیسیون و مخبر است چند نفر دعوت شوند و بيك شکلی ابتاده را در آورند که اجحاف نشود ب مردم

مخبر - اولاً نماینده محترم فرمودند که اجازه را که امروز مجلس میدهد بانجمن بلدی برای وضع عوارض مخصوصی برخلاف قانون اساسی است تصور نمیکنم اینطور باشد در کمیسیون هم عواد قانون اساسی مراجعت شد و امروز هم مجلس خودش این اجازه را میدهد که انجمن بلدی با اجازه مجلس شورای ملی وضع يك عوارضی بکند مثل اینکه دولت يك لایحه این جا راجع بعوائد بلدی بیاورد و مجلس تصویب کند اینهم همان حکم را دارد هر دو با اجازه مجلس است بعلاوه اینکه فرمودند تحمیل فوق العاده بر مردم است و اسباب صدمه مردم خواهد شد اگر نظر مبارک عالی باشد وقتی که لایحه ۱۲۵ هزار تومان بلدیه طهران مطرح بوده اینجا عنوان شد که این مربوط بشهر است و خود اهالی شهر باید این مصارف را بدهند و مربوط ببودجه عمومی نیست در اینجا حالا اگر ما خواسته باشیم يك بلدیه داشته باشیم که مطابق با بلدیه های معاصر باشد و قانونی هم باشد و سر و صورتی پیدا کند و این وظایفی را که در این قانون برایش قرار دادیم بتواند عملی و اجرا کند محتاج بيك عوائد کلی و فوق العاده است و اما اینکه فرمودند بنده قبول کنم برود بکمیسیون و البته آخر هم همینطور خواهد شد بالاخره باید نظر مجلس هم در این خصوص معین شود که کمیسیون بداند از روی چه زمینه اتخاذ نظر بکند و نظر نمایندگان محترم را بداند

رئیس -- آقای کازرونی پیشنهاد کرده اند که این ماده مراجعه شود بکمیسیون

کازرونی - بنده گمان میکنم که تا اندازه نظریات معلوم شده است و برای اینکه وقت مجلس ضایع نشود و چون بنده قطع دارم که ابتاده هم ارجاع میشود بکمیسیون حالا پیشنهاد کردم برگردد بکمیسیون که اتلاف وقتی نشده باشد و يك کاری پیشرفت کرده باشد

روحی - بنده مخالفم

رئیس -- بفرمائید

روحی - عرض کنم که ابتاده ...

کازرونی - بنده استرداد میکنم

یک نفر از نمایندگان - پس گرفتند

روحی - اجازه گرفته ام باید عرضم را بکنم

رئیس -- آقای عمادی هم عین همین پیشنهاد را کرده اند

روحی - عرض کنم که آقای مخبر يك مدافعات در این قسمت کردند بنده هم از موافقین این ماده هستم و عرایضی دارم که شاید جناب عالی را هم (خطاب آقای کازرونی) اقتاع کند و پس از اینکه مطلب روشن شد ممکن است مراجعه شود بکمیسیون و در اطرافش مذاکره بشود

رئیس -- آقایانیکه پیشنهاد آقای عمادی را تصویب میکنند قیام فرمایند

(دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد - آقای مدرس

مدرس - عرض میشود که بنده با این فقره اولش مخالف هستم بجهت اینکه فقره اولش معنایش این است که ان اثباتاً آن که سابق داشتیم که يك تخم مرغ با يك جوجه و يك من چوب و يك من ذغال را که دم دروازه جلوش را می گرفتند و يك چیزی می گرفتند حالا هم پیدا کنیم و بنده آن مقداری که از زحمت

دادن مردم و متعرض شدن مأمورین با افراد گریزان از ضرر گریزان نیستیم. میگویم میشود از افراد مردم چیز گرفت اما بیک شکلی که افراد مأمورین با افراد مردم طرفیت پیدا نکنند. ساها ما گرفتار خراج دم دروازه ها بودیم یک بره هم یک مرتبه اتفاق افتاد و در مجلس هم عرض کردم که بره پنجقرانی برای بنده کسی آورده بود و دم دروازه من باب اینکه ارزش چیزی نگیرند گفته بود مال مدرس است و برای او میبرم بالاخره این بره دو تومان از دستگاه! در آمد آنها هم بعد از سه روز زحمت. در حال بنده عقیده ام این است که چون آقای مخبر هم نظر اصلاحی دارند آقایان اگر اجازه بدهند این فقره اول رها بشود چون تجربه اش را کردیم حالا فقره دوم را اگر دیدند کم است ممکن است زیاد بکنند یا وضع دیگر بگیرند ولی اشکالی که آقایان می فرمایند راجع بتصویب مجلس این اشکال در صورتی وارد است که بدون تصویب مجلس بگیرند ولی اگر آقایان این جا اجازه دادند آنوقت با تصویب مجلس میشود و رفع محظور میشود و آن پیشنهاداتی هم که سابقاً شد که باقی نظریات انجمن بتوسط وزارت داخله بیاید مجلس آنوقت حفظ قانون اساسی هم کاملاً شده است بجهت اینکه این یکیش این جا تصویب میشود. باقی هم بتوسط وزارت داخله می آید مجلس و این برای مخارج فوری هم خوب است ولی آن فقره اولی اسباب زحمت مردم است و بقدری مفتش و مامور برای اینکار درست میشود که هیچ عایدی نداشته باشد جز ضرر مردم. اما فقره دوم هیچ خرجی هم ندارد چون مأمورین مالیه میگیرند و اداره علیحده و عنوان علیحده لازم نیست حالا اگر آقایان اجازه میدهند بآن فقره دوم اکتفا بشود بهتر است

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - مخالفم

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی - بنده مخالفم

رئیس -- آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - مخالف هستم

رئیس -- آقای ملک مدنی

ملک مدنی - مخالفم.

رئیس -- آقای روحی

روحی - عرض کنم که بنده عقیده ام این است که این شهر های خراب ایران بالاخره باید آباد بشود و اینکه آقایان میفرمایند عوارض ندهند بالاخره باید مردم ایران صاحب ثروت و سعادت مند بشوند و از منابع روثشان این عوارض را بدهند و از حالا باید با همین روثهای کوچک کوچک بقدر وسع خودشان کم کم وسائل آبادی شهرها را فراهم کرد که اینقدر خرابه نباشد ما ها خیلی از دنیا عقب هستیم هر جائی باید مطابق قوه شان مخارج آبادی و نظیف شهرشان را بدهند و نباید بر بودجه مملکتی نحمیل کرد و صرف مخارج شهری نمود این مرسوم همه دنیا هست و یک قاعده کلی است ...

کازرونی - مثلاً کجا؟ کجا را دیده اید بفرمائید؟
روحی - و آقایان البته تصدیق میفرمایند که مایک حقیمان ترتیب بدهیم بانجمن بلدی صلاح است چون آنها هم وکیل و نماینده اکثریت مردم اند و با کثرت آراء انتخاب شده اند و لازم است بانها حق بدهیم که یک عوارضی وضع کنند و البته وقتی که دیدند برای مردم یک ضرر هائی دارد و نان و گوشت گران میشود وضع نمیکنند ولی البته فرض بفرمائید در سلطان آباد عراق اگر از هر ذرع قالی که خارج میشود یک عباسی بگیرند این ضرری بجائی نمیزند و یک عایدی برای آبادی شهر فراهم میشود و یک مؤسسات خیریه ممکن است برای مردم تشکیل بدهند و بنده عقیده ام است که آقایان از این ماده اینقدر نترسند منتهی یک صحبت هست و آن این است که ممکن است بعضی عوارض وضع شود

که سوء تأثیر ببخشد که در صادرات مملکت سوء تأثیری داشته باشد آنرا هم ممکن است یک تبصره علاوه فرمایند که در هر مورد که بعضی عوارض مورد اشکال شد وزارت داخله حق داشته باشد آن را الغاء کند مثلاً اگر دید که بکنیرا مالیات بسته اند و این مسئله ممکن است از اقتصادات مملکت بکاهد وزارت داخله حق الغاء آنرا داشته باشد یعنی بهیئت وزراء پیشنهاد کند که آن را لغو کنند و بنده عقیده ندارم که اینقدر ما برترسیم و الا با اینصورت بنده قطع دارم که هیچوقت شهرها آباد نمیشود و بلدییه های ما مورد استفاده عمومی واقع نمیشوند.

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده عقیده ام این بود که آقای روحی که تشریف بردند بران و بعد رفتند بکرمان آن صورتی که در بران دیده بودند یادشان رفته است بعد معلوم شد که خیر آن صورت جالب توجه در نظرشان مانده و این بدبختی اهالی کرمان و تمام ایران در نظرشان نیست و الا کاملاً با ما موافقت میکردند که دیگر نیم دینار هم اجازه ندهیم به خودمان که مالیات وضع کنیم....

روحی - چرا؟ پس به چه وسیله شهرها آباد بشود؟..

کازرونی - وسیله کشتن مردم

آقا سید یعقوب -- حالا می فرمائید کرمان بعد از چندین سال نازکی متمول شده است؟ والله نشده است و بنده عرض میکنم که در این جا ماده ۲۹ را که آقای مدرس جزء تائیش را آمدند (و خدای نخواستہ کانه می رسم که مایل باشند آن را قبول کنند) و در اطرافش صحبت کردند بنده هم در جزء اولش عرض می کنم و هم در جزء تائیش ما دیگر نمی توانیم چیزی نحمیل کنیم و باین وسیله وضع مالیات کنیم. مالیات سرانه و اصناف را که مجلس شورای ملی الغاء

کرد و از مجلس گذشت هنوز وزارت مالیه عملی نکرده است و در همه جا میگیرند بنده هم سؤال از وزارت مالیه و از رئیس الوزراء کردم (چون نمی خواهم قبل از دستور صحبت کنم) نیامدند جواب بدهند و استیضاح هم که آدم خجالت می کشد هر روز هر روز هی استیضاح کند آن قانونی را که ما از مجلس گذرانیدیم که سرانه و اصناف را نگیرند عملی نکردند و دارند می گیرند الان در فارس در مسقط الرأس خودم اردکان فارس کاغذ دارم که هم مالیات سرانه و هم مالیات صنفی را میگیرند آخر چکار کنیم و دست کرا بگیریم؟...

کی استوان - استیضاح کنید آقا، استیضاح.

آقا سید یعقوب - همینطور نمایندگان جا های دیگر از

این قبیل شکایات دارند و این مالیات را میگیرند و بهیچ جا هم نمیرسد پس بدانید که هنوز دوره ششم با آنکه میل داشت خدمتی باهالی بکند قانونی تصویب کرد هنوز آن را عملی نکرده اند و باز میگیرند این جا هم بمجردی که اجازه داده اید انجمن بلدی حق وضع عوارض داشته باشند فوری عملی میشود و مأمورین خواهند رفت بجای صدی پنج صدی ده از آن رعیت بد بخت بگیرند و تا وارد صندوق بلدییه بشود تمام خواهد شد پس بیائید حال اهالی را ملاحظه کنید چنانچه آن روز به آقای شیروانی عرض کردم ما نباید خیلی تند برویم و احتیاجات مردم را باید در نظر بگیریم آنوقت بگوئیم که مملکت ایران باید پاریس و برلن بشود. شهر طهران با این وضع و حال مردم یک ساله و صد ساله و هزار ساله هم پاریس و برلن نمیشود پس خرده خرده باید قدم برداشت و بجائی رسید نه یک مرتبه و الا اگر فوراً بخواهیم هر چیزی را که مردم در دست دارند از شان بگیریم و بر زمین نوی خیابانها که این جا پاریس و برلن نمیشود و باید قدم بقدم جلورفت نه اینطور ملاحظه بفرمائید این جا در ماده نوشته است که: نا پنج در صد از قیمت اصلی اشیائی که برای مصارف و احتیاجات اهالی خوب توجه بفرمائید من تعجب

می کنم که کمیسیون داخله چطور اینرا در نظر گرفته است و بجه جرائی و نهوری آمده است این را پیشنهاد کرده است که تا پنج در صد از قیمت اصلی اشیائی که برای مصارف و احتیاجات اهالی در حوزه بلدی وارد می شود؟! که اگر يك بار خار مردم که بیاورد وارد شهر کند باز گرفتار مأمورین بلدی بشود، هر چیزی که بخواهند وارد شهر کنند دم دروازه گرفتار همان بلاهای ناگهانی بشوند که از ولایات فریادها زده شد و در مجلس القدر گفته شد تا آن مالیات را برداشتنند حالا دو مرتبه ما میخواهیم مردم را گرفتار آن مالیات ها بکنیم در دوره استبداد هر روزی که دولت فکر میکرد يك فشاری مردم بیاورد نان را گران میکرد ما هم حالا نان را که گران کرده ایم و بانبار اجازه این کار را داده ایم حالا هم بیائیم اجازه بدهیم که پنج در صد به آب و نان مردم نحمیل کنند چطور میشود که نحمیل تمام احتیاجات این مردم بشود؟! مگر اینکه بگوئیم لشکر چنگیز آمده است و بجان مردم افتاده است پس بنده اساساً عقیده ام این است که خود اعضاء کمیسیون هم با آن عواطفی که نسبت به مردم دارند دیگر صحبت از این موضوع نکنند و راضی نشوند که دیگر مالیاتی به این مردم نحمیل شود نهایت برای خاطر اینکه بگویم بنده هم داخل در خدمت ملی هستم پیشنهاد میکنم که صدی دو بر اشیاء نجملی کمیسیون پیشنهاد کند که در ارزاق عمومی مداخلت ندارد و محتاج الیه نیست که اگر توانستند انجمن های بلدی این صدی دو را پیش بینی کنند و توسط وزارت داخله به مجلس پیشنهاد کنند که مجلس تصویب نماید و الا این قسمت بکلی از بین برود. آمدیم سر قسمت دوم که نوشته است: تا پنج در صد فروع اضافی بر مالیاتهای مستقیم حوزه بلدی و وصول آن بوسیله ادارات مالیة محل. بنده بکلی از دو جهت با این قسمت مخالفم اولاً بنده جدا مخالفم که مالیه در امور عوائد بلدی دخالت

کند. آقا بگذارید مالیه برای خودش کار کند او خودش کار های زیادی دارد که باید متوجه عوائد مملکتی باشد، عوائد شهری و وزارتخانه مخصوص و معین. دارد این را دیگر در این جا نیندازید کشمکش تولید نکنید. ثانیاً اینکه بنده مخالفم برای اینکه این پنج در صد فروع اضافی که بر مالیاتهای مستقیم می بندند چطور می شود؟ برای اینکه مالیات مستقیم اصلاً سخت وصول می شود مأمورین مالیه را بخواهید سؤال کنید که مالیاتهای مستقیمی که در ادوار گذشته بر این ملت نحمیل شده چطور وصول می شود چرا؟ برای اینکه مردم دیگر طاقت ندارند مالیات بدهند نه نقدی و نه جنسی شما میخواهید يك عوائد شهری معین کنید که ابد وجود خارجی ندارد مالیات غیر مستقیم را نمیتوانند وصول کنند چه رسد به مالیات مستقیم مادر کمیسیون بودجه هستیم می بینیم سوخت هائی که مالیات مستقیم از نقدی و جنسی دارد چه حکایتی است آن وقت بیائیم بز يك چیز معدومی يك اضافه معدومی وضع کنیم! این شوخی است بنده در این خصوص يك پیشنهادی کرده ام که راجع بآن پیشنهاد هم يك لایحه دولت آورده است که عوائد مستغلات شهری طهران مخصوص بلدی باشد در دوره سوم هم يك قانون راجع به عوائد مستغلات از مجلس گذشت و گمان میکنم اگر همین يك قلم را تخصیص بدهید به بلدی ها کافی باشد دیگر جان مردم را نگیریم. بنده این پیشنهاد را کرده ام که جزء اول از بین برود تا این هم تخصیص بلا مخصص نشود در طهران این جور باشد در ولایات جور دیگر باشد، باید در تمام جاها مالیات مستغلات جزء بلدی باشد و وزارت مالیه مأمور باشد که بن قلم را از دفتر خودش مجزا کند و جزء بلدی نماید این بود نظر من و پیشنهاد هم میدهم

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- مخالفم

رئیس -- آقای عمادی

عمادی -- مخالفم

رئیس -- آقای زوار

زوار -- مخالفم

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- این را بنده غالباً امتحان کرده ام که مباحثات در ایران حل نمیشود علتش هم این است که آن دو طرف مباحثه هر کدام يك قسمت صحیحی دارند میگویند ولی قسمت غلطشان را هم نگاه میدارند بعد هر چه این به آن دیگری میگوید این قسمت صحیح است تصدیق میکنند ولی متقاعد نمیشود. مثلاً بیاناتی که آقای آقا سید یعقوب و آقای بامداد فرمودند يك چیزی بوده است که مکرر جواب داده شده است معذالك متقاعد نمیشوند میگویند ما نباید وضع مالیات کنیم ده مرتبه این جا گفته شده است که ما وضع مالیات نمیکنیم ما اجازه میدهیم که اگر وکلای بلدی هر شهری استطاعت اهالی را دیدند و اهالی هم مایل بودند که مالیات وضع شود و شهرشان آباد شود وضع کنند، اینکه وضع مالیات نیست اینرا ما مکرر در مجلس گفته ایم معذالك آقای آقا سید یعقوب و آقای بامداد متقاعد نشدند. باز عرض میکنم که ما وضع مالیات نمیکنیم ما اجازه میدهیم به انجمن بلدی که اگر در اهالی استطاعت دید مالیات و عوارض وضع کند. آقای آقا سید یعقوب چرا مخالفند که مالیات وضع شود برای اینکه مردم را در ادای مالیات و حقوق مستطیع نمیدانند و وکیل مردم هستند و نمیکنند بر مردم نحمیل شود انجمن بلدی هم همین حکم را دارد یعنی وکلای يك شهری بالطبع نمی آیند بر اهالی يك شهری نحمیل يك مالیاتی بکنند که مردم استطاعت نداشته باشند آن مالیات را بدهند. اهالی يك شهری وکلای انتخاب میکنند این وکلا افکار و وضعیات عمومی شهر را تحت نظر میگیرند و مطابق آن رأی میدهند. اگر افکار يك شهری مثل بوشهر موافق با وضع مالیات

نباشد بالطبع مالیات وضع نمیکنند و نکته که در کار هست این است که انجمن بلدی را آقایان مأمورین مالیه فرض میکنند و خیال میکنند چون مأمورین مالیه اسباب زحمت مردم را فراهم می آورند ما اجازه ندهیم که اسباب زحمت مردم بشوند. اولاً ما اجبار نمیکنیم که حتماً این مالیات را بدهند ما اجازه میدهیم به انجمن بلدی که يك مالیاتی وضع کنند و بعلاوه آنکسی که مینشیند و مالیات وضع میکند عبارت از خود اهالی شهر هستند وکلای خود مردمند، مأمور دولت نیستند. اهالی شهری اگر خواستند برای خودشان يك مالیات وضع کنند ما دیگر نباید اجتهاد در مقابل نص بکنیم و بگوئیم شما نباید مالیات و عوارض برای خودتان وضع کنید، این چیز غریبی است!! و خیلی چیز مضحکی است فقط يك قسمت صحیحی در بیانات آقایان مخالفین بود و آن قسمتی بود که آقای مدرس بیان کردند که نباید وضع مالیات بر ما کولات و حوائج ضروری مردم کرد و بجای آن باید سعی کرد که يك عوارض دیگری بدست انجمن های بلدی داد که وضع نمایند بهترین آنها مالیات بر اشیاء نجملی و لوکس است که باید دست انجمن های بلدی را باز گذارد که اگر محتاج شدند آن مالیات را وضع کنند و باز باید این مسئله را تکرار کرد که حق الامکان باید انجمن های بلدی را کاملاً مستقل کرد اگر شما يك انجمن بلدی تشکیل بدهید ولی استقلال نداشته باشد دو تا پول سیاه ارزش ندارد. این مسئله محرز شده است که هر قدر بتوانید بلدی را مستقل بکنید و مسؤولیت را بگردن آن بیندازید که مسائلی که مربوط به آنست که رسیدگی کند بهتر است و الا شما اگر بلدی را تشکیل دادید ولی استقلال آنرا در تحت هزار لفافه قرار دادید این انجمن بلدی کار نمیتواند بکند و از عهده انجام وظیفه بر نمی آید. يك قسمت از فرمایشات آقای آقا سید یعقوب این بود که چرا ما از مردم پول بگیریم و صرف ساختن خیابان ها بکنیم این پولی را

که انجمن های بلدیّه اگر بنا باشد بگیرند صرف ضروریات خود اهالی شهر میکنند مصارف بلدیّه فقط ساختن خیابان ها نیست شاید يك قسمتش برای صحیّه شهر باشد شاید برای نظیف و روشنائی شهر بخواند پول بگیرد آیا ما مخالفیم برای اینکه اهالی يك شهری می خواهند پول بدهند که شهرشان و کوچه هایشان روشن باشد؟ و این قسمت را هم باید اضافه کرد که فرمودند مالیه اسباب زحمت مردم خواهد شد مالیه امروز يك مالیات مستقیمی میگیرند که بگویند ده و نیم هم اضافه بگیر این از کجا اسباب زحمت مردم میشود اگر اسباب زحمت مردم است صد در صد اسباب زحمت مردم است باضافه کردن صد پنج چطور بیشتر اسباب زحمت مردم میشود؟ و رو به طرفه بنده تصور میکنم که باید بیلدیّه ها اختیار داد که عوارض وضع کنند منتهی در کیفیت عوارض می توانید پیشنهاد کنید که يك سنخ عوارضی برود و يك سنخ دیگر جایش بیاید و همانطور که آقای مدرس فرمودند قسمت اول این ماده ۲۹ يك عوارضی دارد که اسباب زحمت و اشکال برای مردم فراهم خواهد کرد ولی بجای این بایستی يك عوارض دیگری را اجازه داد که بتواند از اشیاء تجملی یا خانهای وسیع یا چیزهای دیگر بگیرد و شهر را آباد کند و بالاخره ما این نظر را نباید فراموش کنیم که وکلای انجمن های بلدی مأمورین دولت نیستند وکلای بلدیّه وکیل مردم هستند و میتوانند برای شهر عوارض وضع کنند و صرف خود اهالی کنند.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم موافقت و مخالفت در يك چنین موضوعی شاید بکلی از نقطه نظر نفی صرف یا اثبات صرف نباشد و اگر مخالفت را نفی صرف آقایان تصور کنند بنده مخالف نیستم ولی اگر بخوانیم در نتیجه يك مذاکرانی بهترین طریقی را پیدا کنیم که ایجاد يك عوارضی برای تعمیر و تسویر و نظیف شهرها بکنیم روی این قسمت بالاخره بحث میکنیم. اولاً يك نکته را

که امروز تمام دنیا بآن اعتراف کرده است این است که بالاخره باید طریقی برای گرفتن مالیات ایجاد کرد که حق الامکان کمتر به افراد تماس کند یعنی به طور مستقیم از دست افراد گرفته نشود برای این کار راه حلی که پیدا کردند این بوده که مالیات های مستقیم را تبدیل به مالیات بر عایدات کرده اند و مالیاتهای غیر مستقیم را تبدیل به مالیاتهای سرحدی که هر دو اینها تقریباً يك نوع مالیات عادلانه غیر سرئی است و حق الامکان باید سعی کرد که مالیات بطور غیر محسوس از مردم گرفته شود و همانطوریکه آقای مدرس فرمودند ما فراموش نکرده ایم که در دو سال قبل در نتیجه صدمات طاقت فرسایی که در هر دروازه و هر کوچه و برزنی مردم وارد می آمد ما آمدیم و کلبه این مالیاتها را لغو کردیم و يك مالیات سرحدی که چندین برابر عایدش زیاد تر است بجای او وضع نمودیم و الان می بینیم که عامه مردم که همان مالیات را چندین برابر میدهند اظهار رضایت میکنند در صورتیکه این مالیات که چندین برابر زیاد شده بالنتیجه تخمیل به همان مردمی میشود که دم دروازه به تخم مرغ مالیات میدادند فقط تفاوتی کرده است آنوقت ناراضی بودند و حالا رضایت دارند برای این است که طرز مالیات عادلانه شده است. يك نکته دیگر هم هست که این قبیل مواقع که بدستمان می آید باید آن نکته را که آقای آقا سید یعقوب فوراً بنظرشان آمد از این جور چیزها استفاده کنیم یعنی خلاصه اینکه در نتیجه يك تسامح و کثرت مشغله که هر چه اسمش را میخواهیم بگذاریم بهترین لواجیحی را که دولت آورده بود در کیسیون قوانین مالیه دفن شد و آن مالیات بر اشیاء تجملی بود که امروز موقع آن رسیده است که ما استفاده کنیم که دو خدمت بزرگ کرده باشیم یکی به اقتصادیات مملکت و یکی هم به شهرهایمان. بنده اطلاع دارم که یکی از کپانیها یعنی نماینده کپانیهای اتومبیل فروشی که نماینده

دو کپان است در سال گذشته صد و بیست و شش هزار تومان عایدی داشته يك نفر بین النهرینی که يك مغازه در این جا با روزی سه قران اجاره کرده و يك میز در آنجا گذارده و اسمش را گذارده است نماینده فلان کپانی آمریکا شورت با بوئیک یا سایر اتومبیل ها یکی از آنها را بنده مطلع هستم که ۱۲۶ هزار تومان سال گذشته عایدی داشته است شما به بینید چقدر اتومبیل در این مملکت باید فروخته باشد که ۱۲۶ هزار تومان عایدی شخصی خودش بوده است ما البته نمیتوانیم بگوئیم که اتومبیل در این مملکت نباید ما در عین حالی که اتومبیل لازم داریم باید طرق فساد فروش اتومبیل را هم در این مملکت مسدود کنیم همانطور که هر روز در جراید خارجه میخوانیم که در فرانسه با آلمان یا آمریکا يك مالیات کمرشکنی روی بکفقره مال التجاره ما یعنی قالی بعنوان اشیاء تجملی گذارده اند که ما نتوانیم آن مال التجاره را صادر کنیم ما هم حق داریم که روی مال التجاره های آنها که مملکت را بیاد می دهد از این مالیات های سنگین بگذاریم و این کار حق مشروع ما است یعنی يك معامله متقابله بدترین نیست همینطور بسایر اشیاء تجملی اشیاء خرازی اسباب بازی شیرینی گوشتهای بخته و نا بخته که در این مملکت نوری قوطی میاورند و بخورد ما میدهند و انواع چیز هائی که فروشش در این مملکت مضر است و پول ما را می برد يك مالیات برای بلدیّه های خودمان وضع کنیم با نوشتن يك جمله کلی در این که دم دروازه از هر ما کول و مشروب مالیات گرفته شود بنده یقین دارم که مأمورین ما سوء استفاده خواهند کرد و این قبیل اشیاء که بنده عرض کردم که باید از آنها مالیات گرفته شود معاف می شود و ارزاق يك مشت مردم بد بخت باز دم دروازه بدست مأمورین می افتد! با اینکه هنوز هم نظر ما در الغاء آن مالیات ها این بود که دم دروازه ها توی بیابان ها مأمور دولت با يك هیولای عجیب با فلان رعیت رو برو نشود و هنوز

باقی است وضع يك چنین مالیات ها معنی ندارد شما ملاحظه فرمائید یکی از کارهای لغوی که در این مملکت باقی مانده و شاید فراموش شده است ترك شود این است که يك وقتی سیاست مملکت ایجاد می کرده است که هر کسی که از یکی از دروازه های شهر بیرون میرفته با وارد شده است شناخته شود مملکت است سیاست مملکت بکروزی از نقطه نظر خارجی اقتضا کند که ما به بینیم که از فلان سرحد ما چه اشخاصی وارد میشوند چند نفر میروند و چند نفر میمانند این مسئله توسعه پیدا کرده است که حالا هر کس میخواهد تا دماوند برود جلوش را میگیرند. بنده خودم میخواستم تا دماوند بروم دم دروازه که رسیدیم يك پلیس آمد که کجا میخواهید بروید؟ اسمتان چیست؟ اسم فامیلتان چیست شغلتان چیست؟ و مسافر هم که از دو طرف میرسد و بالاخره این کار سبب می شد که یکساعت دم درواز هر مسافری معطل شود. بنده يك اعتراضی میکنم یعنی يك اعتراف به تقصیر که آقایان بدانند این جور کارها نتیجه ندارد. وقتی که ما میرفتیم کپلان تا قزوین هر جا که جلوی ما را گرفتند راستش را گفتیم ولی در قزوین پنج نفر مسافر که توی اتومبیل بودیم هر کدام از ما اسم خودمان اسم پدرمان شغلمان همه را عوضی گفتیم. آن پلیس هم نوشت و ما هم رفتیم. بنده میخواهم بدانم نتیجه این کار چه چیز است؟ و غیر از اینکه يك زحمت و سرانی مردم وارد شود چه نتیجه دارد؟ یکی دیگر مسئله تقبش است که متصل در بیابانها بعمل می آید از کهر بزرگ تا طهران شش نقطه جلوی اتومبیل بنده را بعنوان تقبش گرفتند. آخر این که زندگانی نمیشود بالاخره باید با يك طرز آزاد رفت و آمد و زندگانی کنیم. خلاصه از موضوع يك قدری دور شدیم. عرض میکنم این مالیات را ما برای این لغو کردیم که اسباب زحمت مردم نشود دادن صد دینار وجه برای يك من عدس آنقدر مردم صدمه نمیزند تا اینکه يك زارع را يك ساعت دم دروازه

معطل کنند که صد دینار از او بگیرند. حالا جزء اول این ماده آن قضایا را تجدید میکند پس ما باید يك مالیاتهای دیگری از قبیل مالیات بر اشیاء تجملی پیشنهاد کنیم که وضع شود. بنده يك چیز هائی که پادم بوده است یادداشت کرده ام از انواع عطریات و اسباب توالت، اتومبیل های سواری که هشتصد تومان بیشتر ارزش دارد، انواع پارچه های ابریشمی و پشمی که قیمت اعلا دارد. انواع اشیاء خرازی انواع ظروف چینی و المور آلات، بزین، انواع سیگار و سیگارت انواع شیرینی و گوشت های پخته و ناپخته، انواع اسباب بازی، اینها در نظر بنده بوده است که صدی سی از عایدات فروش این قبیل چیزها برای بلدیة شهرها از اشخاص گرفته شود و شاید در هر شهری این مالیات تمام با زندگی بیست باسی نفر بیشتر نکند که هم جلوی يك نوع واردات کهرشکنی که این مملکت را کدا میکند گرفته ایم و يك عایدی هم برای مملکتان تهیه کرده ایم. يك نوع دیگر هم مالیات ما میتوانیم در نظر بگیریم و آن وضع مالیات بر اراضی شهری است که يك کسی که يك خانه پنج ذرعی دارد پنج تا دهشاهی بدهد و کسی که يك زمین دویست هزار ذرعی دارد دویست هزار دهشاهی بدهد این يك مالیات عادلانه است که به عموم به يك نسبت تحمیل میشود. يك موضوع دیگر را هم میخواهم عرض کنم که يك لایحه را که دولت فعلاً آورده است برای تخصیص مستغلات طهران به بلدیة این کار را در تمام شهرها عملی کنیم که مالیات مستغلات را به بلدیة ها بدهند که هم بلدیة کارش خوب شود و هم تحمیلات زیادی نمیشود این است که بنده مخالفم از نقطه نظر نفی صرف نبود و نظرم این بود که ماده اصلاح شود.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

زوار - بنده مخالفم.

دادگر - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای زوار قبلاً مخالف بودند. بفرمائید زوار - عرض کنم که این ماده بقدری بدتنظیم شده است که حقیقه باحیاط و محاسن ملتی دارند بازی میکنند چرا؟ برای اینکه در چند روز پیش از این هنوز مرتبهان خشک نشده است که مالیاتهای صنفی را لغو کردیم. حالا با این ترتیب بیائیم در مجلس شورای ملی يك مالیات عجیب و غریبی وضع کنیم از این نقطه نظر بنده با کفایت مذاکرات مخالف هستم و عرض میکنم که آقایان اجازه بدهند مخالفین حرف های خودشان را بزنند بلکه در نتیجه مطالبی که گفته می شود يك وسیله آسایش برای ملت فراهم شود.

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه کفایت مذاکرات را تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد، آقای دادگر

دادگر - عرض کنم که عیبی ندارد که از آقای شیروانی بنده هم يك عاربه بگیریم ما هم اثبات صرف نیستیم و می خواهم عرض کنم که ما هم جودت نداریم و نمی خواهیم فقط اینکه نوشته ایم حفظ کنیم ولی بيك چیزی علاقه داریم و آن این است که بلدیة باید وسائل توسعه بدهیم با این سرمایه که فعلاً بلدیة دارد مخصوصاً در غالب نقاط قادر به این که خودش را بسازد نیست پس باید وسائلی فراهم کرد که بلدیة بتواند بطور آبرومندی خودش را اداره کند اولاً بنده اصولاً عرض میکنم که اول سر اصل قضیه بحث کنیم بعد برویم سر فروغش. عرض میکنم چه عیبی دارد که يك عوارضی را که حداکثر و اقلش از طرف مجلس معلوم میشود بلدیة اجازه بدهیم که وضع کند؟ يك نوع عوارض از طرف مجلس اجازه داده میشود با تعیین حد اقل و اکثر که انجمن بلدی وضع کند، وقتی که مجازاً از طرف مجلس شد دیگر

اشکالی باقی نمی ماند این مسئله هم هیچ عیبی ندارد که اهالی يك خانه برای خود و برای توسعه زندگانی و تنظیم اداره خودشان فکری کرده باشند و يك مالیاتی را بدهند نهایت این جا افکاری که ادا می شود برای این است که مفید تر باشد اتفاقاً برای کمیسیون داخله طرز مذاکراتی که در مجلس شد بیشتر فکر ما را کمک میدهد که این مسئله ارجاع بکمیسیون شود و ما به بینیم چه کنیم که بلدیة ها بدون اینکه انتظار داشته باشند لوایحشان را تنظیم کنند و بیاورند. مجلس با سیرجان منتظر بماند تا مجلس شورای ملی اظهار عقیده بکند که عوارض آنجا چگونه وضع شود چون این مسئله نه تنها اظهار دندان شکنی نبود بلکه تعلیق بيك قضیه بود که اصلاً نمیشد و حالا که این مذاکرات شد گویا این فکر آقای آقا سید یعقوب بود که فرمودند مالیات مستغلات که منحصراً از طرف دولت داده شده است برای شهر طهران اینرا تعمیم بدهند که برای همه جا باشد همینطور مالیات تجمل که آقای شیروانی اظهار کردند و بالاخره بيك نظری هم آقای مدرس داشتند که بعقیده بنده از تمام نظریات منطقی تر است و آن این است که اراضی باید مالیات شهر را بدهند و این قسمت اداره اش آسان تر است تقسیمش سهل است و میشود بيك پول معتنابهی هم پیدا کرد علی ای حال ما ترصد داریم اینهم که بنده استفاده کردم حرفهایم را بزنم بنده هم اثبات صرف نبودم نمیدانم چگونه شد آقایان این کله را فرمودند این را هم عرض کنم که بلدیة با این لوازم و اسباب که امروز دارد نمی تواند يك شهر آبرو مندی به شما بدهد. بيك نظری هم این جا اظهار کردند که آن هم زدید شد برای این که ما تقسیم نقاطی که تقسیم کردند مالیات بلدی یعنی مالیات راه را که بلدیة ها سهم بدهند از بابت نواقل اینرا خوبست تقسیم به نسبت کنیم تا همه جا بطور تساوی از آن بهره مند شوند ما مطالعه کردیم دیدیم نمیشود برای اینکه بيك مؤسسانی و بيك تشکیلاتی در شهر هائی که

بیشتر عوائد داده شده است هست که هم زدن آن تشکیلات و تاسیسات را تعطیل میکند حالا چه عملی است که ما يك جائی که اساسی فراهم است هم بزنیم چهار تا ناقص درست کنیم؟ خیر اینها را باقی میگذاریم تا بيك پوهائی پیدا کنیم و بيك فکر هائی بکنیم که همه جا بطور تساوی داشته باشند و در کمیسیون داخله هم نباشد برای پیشنهاداتی که میشود رأی بقابل توجه بودن نگیریم. خبر کمیسیون هم نظر نماید و قبول کند که بیابده کمیسیون. ثباتی هم بر این بود که قسمت عوارض و اینها برود یا ماده ۲۹، کمیسیون ولی ما منحصراً میل داریم که تمام عقاید و صلاح اندیشی ها گفته شود که کمیسیون قادر باشد بيك تصمیم قاطعی بگیرد

رئیس - آقای حاج شیخ بیات پیشنهاد کرده اند که ماده مراجعه شود بکمیسیون

شیروانی - بنده مخالفم

حاج شیخ بیات - بنده گمان میکنم اینکه اغلب آقایان رأی ندادند بکمیسیون برود برای این بود که نظریه آقایان معلوم شود که کمیسیون بتواند این ماده را تنظیم کند و حالا از قراری که مذاکره فرمودند اکثریت مجلس آنچه معلوم می شود مخالفند با این ماده و بنده خودم هم مخالفم ولی بقدر لزوم بعقیده بنده مذاکره شده است و نظریه آقایان را هم کمیسیون فهمیده. حالا بنده پیشنهاد می کنم که ماده با تمام پیشنهادات برود بکمیسیون و مجدداً تنظیم شود و بیاید مجلس

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده با بيك قسمت فرمایشات آقا موافقم ولی عقیده دارم پیشنهادها قرائت شود و عقاید اشخاص گفته شود بعد پیشنهادات برود بکمیسیون

آقا سید یعقوب - پس مذاکرات کافی است.

فیروز آبادی - بنده مخالفم

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای حاج شیخ بیات که

ماده بکمسیون ارجاع شود...

دادگر - با پیشنهادات

حاج شیخ بیات - با پیشنهادات برود بکمسیون

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند

(جمعی گفتند کافی است)

(پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که ماده بیست و نهم این نوع اصلاح شود

ماده ۲۹ - انجمن بلدی میتواند عوارضی در حدود صد دو بر اشیاء تجملی وضع و بتوسط وزارت داخله پیشنهاد مجلس شورای ملی کند.

آقا سید یعقوب - کجای میکنم بنده در این پیشنهاد

خودم نظریات آقایان را که استقرار دارند بر ظاهر ماده

قانون اساسی که باید مالیات و عوارض بتصدیق مجلس

شورای ملی برسد جمع کرده ام از آنطرف نظری هم که

وضع مالیات بر ارزاق عمومی و بر زندگان عامه هم نباشد

این را هم در نظر گرفته و از آنطرف يك نظر اقتصادی

و قناعتی را هم من با این نظریات جمع کرده ام که ملت

خودمان را دعوت کنیم بقناعت و وضع يك قوالبنی

بکنیم که آزاد باشند در خرید و فروش و پیشنهاد

کرده ام که به اشیاء تجملی مالیات وضع شود چون

اشیاء تجملی در زندگان مدخلیت ندارد، جوراب ابریشم

یا فلان کراوات و عطر در زندگانی جامعه مدخلیت ندارد

يك کسی که میتواند این چیزها را بخرد این مقدار را

هم میتواند برای شهرش بدهد و يك مالیات غیر عادلانه

نیست. بنده در اینجا ملاحظه کردم کسی که هفت

نومان جوراب بخرد میتواند چهار قران هم از برای

توسعه بلدی و نظافت شهرش بدهد و این را بنظر

دیگری (که خودم متوجه هستم که ظاهر قانون

اساسی را بقدری که بتوانیم حفظ کنیم و وضع مالیات و

عوارض مجلس شورای ملی بیاید) پیشنهاد کرده انجمن بلدی

پیشنهاد کنند و توسط وزارت داخله بیاید مجلس هم مساماً

موافقت میکنند و رأی میدهد

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم اولاً بنده يك تجربه تلخی دارم

و آن این است که آمدم در باب اشیاء تجملی حرف زبیم

يك صدائی در جامعه تولید کرد و آن کاند ها و

دستور العملهای زیاد بفرنکستان داده شد و اشیاء تجملی

هم ممنوع نشد و زبان مضاعفی بتجار و کسبه و مردم

وارد کردیم و خیلی بنده نگرانم از اینکه صحبت اشیاء

تجملی کنم ولی علی ای حال چون نظر خوبی است و

قسمت مبتلابه عامه و مردم است دونا نظر دارم یکی

این است که اولاً مبلغش کم است ثانیاً نسبت بخود بلدیبه آنقدر

نگران نباشید وقتی مجلس شورای ملی مجاز کند يك مؤسسه

را در وضع يك عوایدی و حد اقل و اکثرش را هم

معین کند آن مؤسسه مأذوناً دخالت کرده و این عیب

ندارد شما هم کمسیون که معین میکنید روی همین اصل

است. بعلاوه از مقام ریاست استدعا میکنم (چون ما

محتاج بتوضیح نیستیم و خود آقایان را هم بکمسیون

دعوت میکنیم) پیشنهادها را مقرر بفرمایند قرائت شود

آقای مخبر هم برای اینکه تقاضای بنده مشروع باشد

تقاضا خواهند کرد احاله شود بکمسیون.

رئیس - بنده این حق را ندارم آقای مخبر این

حق را دارند

مخبر - بنده هم تقاضا میکنم پیشنهادات خوانده شود

بعد با ماده برود بکمسیون.

(پیشنهادات واصله بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای باستانی

ماده ۲۹ را بنحو ذیل اصلاح کرده پیشنهاد میکنم

انجمنهای بلدی به مجازند با ملاحظه مقتضیات محل

عوارضی را برای اصلاحات حوزه خود وضع نمایند

پیشنهاد آقای عمادی

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۲۹ در فقره اول

نوشته شود که دو در صد در غیر ارزاق از قیمت اصلی

تا آخر باسننای ما کولات

پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا :

در ماده ۲۹ اصلاح ذیل را پیشنهاد میکنم

۱ - تا دو در صد از قیمت اصلی اشیائی که برای

مصارف و احتیاجات اهالی در حوزه بلدی وارد میشود

و در همان حوزه مصرف میرسد از قبیل اشیاء تجملی و

مصالح ساختمان و وسایط نقلیه که در داخل شهر هستند

باستثناء سبزیجات و فوا که وسوخت نانوائی و حمام

۲ - تا دو در صد فروع اضافی بر مالیاتهای مستقیم

حوزه بلدی و وصول آن بوسیله مالیه محل بدون خرج

برای بلدیة محل.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :

پیشنهاد میکنم جزء ثانی ماده ۲۹ این نوع اصلاح شود

انجمن بلدی مجاز است کلیه مالیات مستغلات را که

بتوسط قانون علیحده وضع شده است تخصیص ببلدیة دهد

و مأمورین بلدیة مکلف وصول آن مالیات خواهند بود

نصراً - وزارت مالیه مکلف است صورت کلیه مالیات

مستغلات را از دفتر مالیه حذف کند

پیشنهاد آقای حقنویس :

فقره اولی از ماده ۲۹ را بطرز ذیل پیشنهاد میکنم

۱ - تا صد دوازده باجناس خارجی که برای مصارف

و احتیاجات اهالی در حوزه بلدی وارد میشود و در همان

حوزه مصرف میرسد

پیشنهاد آقای تقی زاده

پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۲۹ حذف شود

پیشنهاد آقای کازرون

پیشنهاد میکنم قسمت اول از ماده ۲۹ حذف شود

پیشنهاد آقای بامداد :

پیشنهاد میکنم ماده ۲۹ حذف و فعلاً مالیات مستغلات

شهری بلدیة ها اختصاص داده شود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۲۹ بترتیب ذیل

اصلاح شود.

۱ - از اشیاء وارده باسننای ما کولات وسوخت

هر باری بکقران

پیشنهاد آقای محمود رضا

پیشنهاد میکنم در ماده ۲۹ بجای فقره ۱ نوشته

شود - انجمن بلدی حق دارد از قیمت اراضی شهری صدو

در سال وصول نماید

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۲۹ حذف شود

پیشنهاد آقای ملک مدنی

پیشنهاد میکنم ماده ۲۹ بکلی حذف شود

پیشنهاد آقای شیروانی

پیشنهاد میکنم ماده ۲۹ بطریق ذیل اصلاح شود

ماده ۲۹ - انجمنهای بلدی با اکثریت دو ثلث می

تواند منابع عایدی ذیل را بعنوان عوارض بلدی برای

مخارج بلدی بر قرار نماید

۱ - صدی سی از عایدات فروش اشیاء تجملی ذیل

مطابق صورت ضمیمه

۲ - صدی يك از قیمت اراضی شهری در سال

۳ - تا پنج در صد فروع اضافی بر مالیاتهای مستقیم

حوزه بلدی که از بیست نومان زیاد تر بوده باشد

۴ - عوائد مستغلات.

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد میکنم مخارج لازمه هر شهر فقط از اراضی

دائر و بانر محوطه شهر گرفته شود که فعلاً محل انتفاع با

قابل انتفاع است و مالیات مستغلات که فعلاً گرفته

میشود بکلی لغو شود

مدرس - میخواهید توضیح بدهم

آقا سید یعقوب - کسی توضیح نداده است

رئیس - ماده سی ام.

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۳۰ - کلیه معاملاتی که بلدیة میکند باید بر

طبق اصول مزایده و مناقصه بعمل آید.

رئیس -- آقای وزیر داخله

آقا سید یعقوب -- بنده این ماده را ...

رئیس -- اجازه داده نشده .

آقا سید یعقوب -- بنده را فرمودید ؟

رئیس -- آقای وزیر داخله را عرض کردم

وزیر داخله -- بنده اجازه میخوام آقای میرزا عنایت الله خان

سمعی را بمعاونت وزارت داخله معرفی کنم .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- اینجا از دو جهت اشتباه شد یکی

اینکه آقای وزیر داخله اجازه نخواسته بلند شدند .

وزیر داخله -- بنده اجازه خواسته بودم .

آقا سید یعقوب -- اما عرض میکنم در قانون دیوان

محاسبات معین است که اموال دولت باید بمناقصه و مزایده

باشد چون اموال عمومی است و در اینجا خواستم عرض

کنم که اموال بلدیه هم در تحت آن قانون هست و محتاج

بیک ماده علیحده نیست نه اینکه مخالف باشم . در قانون

عمومی مملکت هست و اصل این است که کلیه معاملات

باید بمناقصه و مزایده باشد در اینجا ذکر کردن دیگر

لازم نیست .

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- بنظر بنده در قانون محاسبات حکمی

که راجع بمزایده و مناقصه است راجع بمعاملات مؤسسات

دولتی است و بر فرض که ما بتوانیم آنرا شامل این

مورد هم قرار دهیم احتیاط در این موضوع اشکالی ندارد

و مبنی بر مصلحت مؤسسات ملی است .

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است .

رئیس -- کافی است ؟

(بعضی گفتند کافی است)

رئیس -- رأی گرفته میشود بماده سی ام

فیروز آبادی -- بنده یک پیشنهادی دارم

بعد از تحقیقات معلوم شد برای این است که بالاخره آن شخص معهودی را که قرار گذاشته اند با او فلان معامله را بکنند همه را رد کنند و او را بگیرند و بموجب آن ماده آخری هم این حق را دارند . نتیجه این شده که یک عده پنجاه نفری صد نفری وقت صرف کرده اند . پیشنهاد داده اند ، پولشان را ودیعه گذاشته اند ، رفت و آمد کرده اند ، زحمت کشیده اند و آن معامله که اداره میخواسته است با آن شخص معهود بکند بعمل آمده است این ترتیب لغو است و مناقصه و مزایده نیست ، این است که بنده قید کردم این جا که وقتی معامله بر طبق مناقصه یا مزایده بعمل آمد دیگر بلدیعه حق الغائب را نداشته باشد

مخبر -- در حقیقت این راهی را که دولت برای خودش باز گذاشته است برای ملاحظه صرفه و منافع خودش است در بعضی موارد اتفاق افتاده که یک جنسی را بلدیعه خواسته بفروشد و قیمت کرده بعد که بطریق مزایده خواسته اند عمل کنند از آن قیمتی که بدون اعلان مزایده میخواسته اند بخرد بعد از استخراج صورتهای مزایده کمتر بوده در اینصورت اگر مکلف باشد بطریق مزایده بفروشد این نقض غرض است برای دولت و فایده ندارد .

رئیس -- آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس -- قابل توجه شد . ماده میرود بکمسیون بعضی از نمایندگان -- تنفس

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از این ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- ماده سی و یکم قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۱ -- جلسات انجمن یا حضور دولتک از اعضا

رسمیت حاصل نموده و با حضور سه ربع از اعضاء حاضره اخذ رأی میشود جلسات و آراء انجمن علنی است و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار رأی بدهند و رأی مخفی در صورتی گرفته خواهد شد که لا اقل دوتفر از حضار تقاضا نمایند کلیه انتخابات مخفی و با اکثریت نام خواهد بود و هرگاه در دو نوبت اکثریت نام حاصل نشود در نوبت سوم اکثریت نسبی قاطع است و اگر عده آراء در مورد چند فرمساوی شد بکنفر از آنها بحکم قرعه معین خواهد شد برای استخراج آراء دو یا سه نفر از اعضاء بحکم قرعه معین میشوند و پس از اتمام عمل نتیجه را رئیس اعلام می نماید

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- موافقم

رئیس -- آقای بیات

مرئضی قلیخان بیات -- در این ماده حد نصاب را مطابق مجلس در نظر گرفته است یعنی دولتک برای رسمیت و سه ربع برای رأی در صورتیکه اولاً يك نظری در این ماده بود بنظر بنده این ماده که نوشته شده آن آنرا از آن نظر بر میدارد بواسطه اینکه هر دو سال يك نك از اعضاء باید خارج شوند و تجدید انتخاب شود پس در واقع این در موقعی ممکن است که يك نك از اعضاء خارج نشده اند و نظر هم این بود که انجمن هیچوقت منحل نشود و همیشه باشد و انتخاباتی که میشود تأثیری در انحلال انجمن نداشته باشد و با این ترتیب که ما در نظر گرفتیم که دو نك برای رسمیت جلسه باشد و سه ربع برای رأی در موقعی که میخواهند تجدید انتخاب کنند که يك نكش تجدید میشود در آن موقع اصلاً انجمن از رسمیت میافتد از طرف دیگر اگر دقت بفرمائید در خود مجلس ما همیشه دچار زحمت و اشکالات هستیم برای حضور و رأی دادن و در کمسیون های مجلس هم اگر آقایان دقت فرموده باشند هیچوقت دو نك و سه ربع حاضر نمیشوند و اگر

این قسمت نصف نبود بعقیده بنده اغلب کمیسیون ها تشکیل نمیشد خود مجلس هم با اینکه می بینیم مجلس است و رسمیت دارد اغلب در موقع رأی باید منتظر شویم تا دوسه نفر بیایند با اینکه دو ساعت معطل شویم تا جلسه رسمیت پیدا کند از این نقطه نظر بنده دو نلک و سه ربع را زیاد میدانم و معتقدم که این دو نلک و سه ربع را اولاً از اعضای حاضر قرار بدهند و این نظر همیشه محفوظ باشد که آن يك نلک وقتی که از بین می رود و تجدید انتخاب میشود از بقیه باشد آنوقت نسبت به بقیه قائل هستیم که نصف دو نلک قائل شویم که با حضور نصف جلسه رسمیت پیدا کند و با حضور دو نلک رأی گرفته شود که در واقع يك اندازه تخفیف داده میشود و الا اگر آن قسمت دو نلک و سه ربع را بخواهیم بگیریم بعقیده بنده اغلب رسمیت پیدا نمیکند و اوقات آن عده دیگر هم تلف میشود و بی نتیجه خواهد ماند در همین زمینه هم پیشنهادهای عرض کرده ام و تقدیم میکنم.

مخبر - این نظریه نماینده محترم صحیح و وارد است ممکن است در موقع پیشنهادشان را بفرمایند بنده هم قبول کنم

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

روحی - يك قسمت از عرایض و نظریات بنده را آقای بیات فرمودند و بنده در آن قسمت با ایشان کاملاً موافقم ولی يك قسمت دیگر بکلی در اینجا غفلت شده است و آن غفلت منکی بکلمه (علنی) است که کمیسیون را قانع کرده است. ولی اینجا اسمی از مستمع آزاد و نماشاچی بنده نشنیدم و حال آنکه انجمن بلدی مال مردم است و مردم حق دارند بطور نماشاچی و مستمع آزاد در انجمن بلدی حاضر شوند و به بینند نمایندگان آنها چه میکنند. این ماده حق میدهد با انجمن که ممکن است در برابر بروی خودش ببندد و هر کاری

میخواهد بکنند و يك اجحافاتی بنماید که اهالی شهر هیچ خبر نداشته باشند بنده عقیده ام این است که يك تبصره اضافه شود که ورود هر گونه نماشاچی و مستمع آزاد در انجمن بلدی بلا مانع خواهد بود

بعضی از نمایندگان - لفظ علنی معنایش همین است مخبر - این موضوع مربوط بنظم منامه داخلی است و علاوه يك ماده دیگری دارد میگوید اشخاص در انجمن بلدی میتوانند حاضر شوند از قبیل حکام و سایرین در آنجا هم ممکن است قید شود که سایرین بدون اینکه اظهار عقیده در انجمن بکنند میتوانند بیایند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

پیشنهاد آقای بیات بشرح آتی قرائت شد

قسمت اول ماده ۳۱ را بشرح ذیل پیشنهاد می نماید. ماده ۳۱ - جلسات انجمن با حضور نصف از اعضاء حاضره رسمیت حاصل نموده و با حضور دو نلک از اعضاء حاضره اخذ رأی میشود تا آخر ماده

بیات - بنده توضیحاتم را در موقع مخالفت عرض کردم و حالا چون بعضی از آقایان اظهار میکنند ممکن است لغت (بعلاوه يك) را اضافه کنیم یا بنویسیم (بیشتر از نصف) و نظر هم همان بود که عرض کردم و این طور بنظر بنده انجمن بهتر کار خواهد کرد

مخبر - بنده هم آن قسمت نصف بعلاوه يك را از طرف کمیسیون قبول میکنم

رئیس - نصف بعلاوه يك بعضی اوقات عدد کاملی نیست در قانون اساسی هم نوشته است بیش از نصف لفظ حاضر هم در سطر اول و سطر دوم معانی مختلفه دارد مقصود حاضر در مرکز است یا در جلسه

بیات - نظر بنده در پیشنهادی که عرض کردم نصف و دو نلک از عده ایست که بعد از انتخاب باقی میماند بجهت اینکه نلک که فارغ شد دو نلک باقی میماند و گمان میکنم کمتر از اینکه پیشنهاد کردم جایز نباشد

مخبر - این نصف حاضرین قابل تقسیم نیست چون

ممکن است عده شش نفر باشد و بکنفر غایب و پنج حاضر آنوقت اصفش چه صورت پیدا میکند بنده نظرم نصف بعلاوه يك از عده ماخذ اعضاء انجمن بلدی است. رئیس - (خطاب با آقای مخبر) پیشنهاد را قبول کردید یا خیر؟

مخبر - بله. باینصورت که عرض کردم.

رئیس - میباید برای بعد. پیشنهاد آقای کارزون (با این مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در سطر چهارم از ماده ۳۱ بجای دو نفر نوشته شود بکنفر

کارزون - بنده عقیده دارم که همیشه رأی مخفی مرجح باشد و تجربه بمانشان داده که از يك طرف هو و چنجال از يك طرف ملاحظات اشخاص نسبت با اشخاص مانع از این است که شخص آنچه را در قلبش است براسی و حقیقت ابراز کند. بنده هیچ مانعی نمی بینیم که رأی مخفی در این مورد ولو از طرف بکنفر هم تقاضا شود داده شود یعنی اگر مسئله مهمی است و کسی هم تقاضائی ندارد خوب علنی باشد ولی اگر چنانچه در انتخابات و غیر انتخابات قائل شدیم که رأی بایستی مخفی باشد اینجا هم اگر قائل میشدیم که کلیه آراء بایستی مخفی باشد بنده موافقت میکردم لکن اینجا برای اینکه تا اندازه تسهیل شده باشد پیشنهاد کرده ام بکنفر که تقاضا کرد بتوانند رأی مخفی بگیرند و رأی مخفی هم در واقع مثل رأی علنی است و هیچ مخالفتی هم با رأی علنی ندارد و به نفع مملکت است.

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد تبصره الحاقیه

(اینطور خوانده)

تبصره - ورود نماشاچی و مستمع آزاد در کلیه جلسات

انجمن بلا مالع خواهد بود ولی نماشاچی ها حق مشارکت در مذاکرات را ندارند

روحی

رئیس - آقای روحی

روحی - آقایان منکی هستند به لفظ علنی ولی بنده چنانچه عرض کردم لفظ علنی مصرح این مطلب نیست ممکن است انجمن باز باشد و مذاکرات بکنند يك نفر هم از آن گوشه نگاه کنند پس چه ضرری دارد که ما این را تصریح کنیم چنانچه در نظامنامه مجلس شورای ملی هم این قید شده است بنا بر این بهتر این است که این لفظ علنی را اسقاط کنید و این تبصره را آقای مخبر قبول کنند

مخبر - منوط بر رأی مجلس است

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای روحی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری بر خاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای سید بعقوب (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که ماده پیشنهادی کمیسیون رأی گرفته شود رئیس - آقای آقا سید بعقوب

آقا سید بعقوب - يك پیشنهادی آقای بیات کردند که آقای مخبر هم قبول فرمودند که نظر بنده برخلاف او بود برای اینکه قوانین مملکتی ما تا قانون اساسی بحال خودش باقی است باید در تحت قانون اساسی باشد مادر مقابل قانون اساسی نمیتوانیم چیزی قائل شویم حالا اگر در یکموقعی يك اصلاحی یا توضیحی در قانون اساسی قائل شدیم بنده بعنوان توضیح ماده قانون اساسی موافقم و الا در قانون بلدی ما يك پیشنهادی برخلاف او قائل شدیم بنده مخالف هستم از این جهت پیشنهاد کردم بهمان ماده پیشنهادی کمیسیون رأی گرفته شود ولی حالا که ماده می رود بکمیسیون پیشنهاد بنده هم میروم بکمیسیون تا در آنجا اصلاح شود

مخبر - قانون اساسی گویا مربوط به مجلس شورای

ملی باشد و بعلاوه در اینجا هر مؤسسه که تشکیل میشود لزومی ندارد که مقید باشد رعایت آن مواد را بکنند بعلاوه نظر آقای بیات بواسطه عملی شدن و تشکیل شدن و رسمیت پیدا کردن انجمن بلدی است و همینطور که توضیح دادند وقتی که يك پتک از اعضاء خارج شدند نامدنی که تجدید انتخاب شود اگر مقید شوند که سه ربع از اعضاء باشند ممکن است که صورت رسمیت پیدا نکنند و کارهایی را که عهده دارند فلج شود

رئیس الوزراء - میخواهم بعرض مجلس شورای ملی رسانم که قرار داد های ما با همسایه شمالی در روز بعد از ظهر امضا شد و لوابچی که باید تقدیم مجلس شود قریباً تقدیم میشود این هم دو لایحه است که تقدیم میشود یکی راجع به تخفیف مالیات نفت و بنزین و یکی هم راجع به حقوقی که از گشتی ها برای تعمیر بندر ها بگیرند و نقاضا هم میشود که خیلی تعجیل شود که فوری باشد یعنی زود تطبیع و توزیع شود بلکه انشاء الله به روز سه شنبه برسد

رئیس - ماده ۳۲ قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

ماده ۳۲ - مطالبی که در انجمن طرح میشود به پیشنهاد کتبی اداره بلديه یا تقاضای کتبی لا اقل سه نفر از وکلای بلدی و یا بموجب اظهار کتبی حاکم محل خواهد بود و مذاکرات انجمن بلدی محدود است بدستوریکه در جلسه قبل معین شده در صورتیکه ثلث از اعضاء حاضر کتباً پیشنهاد و انجمن تصویب نماید بحث و مذاکره در موضوعات دیگر ممکن خواهد بود انجمن بلدی خلاصه تصمیمات هر جلسه را در حوزه بلدی اعلان و در آخر هر سال نتیجه جلسات و اقدامات خود را برای اطلاع عموم تطبیع و نشر خواهد نمود

رئیس - آقای کازرون

کازرون - اینجا برای مذاکرات يك قبده را ذکر

و سجل احوال هستند احضار کنند و مسؤلیت مستقیم دوائر احصائیه و سجل احوال را به حکام واگذار کنند از حیث بودجه مطابق اطلاعی که بنده دارم هفتاد هزار تومان صرفه جوئی شده حالا اگر چنانچه ما در قسمت بلديه هم همین کار را بکنیم بعقیده بنده يك صرفه جوئی خیلی خوبی شده است که از نقطه نظر امور بلدی حاکم همان حقوقش را بگیرد و کار بلديه را هم انجام دهد بنده عقیده ام اینست که رئیس اداره بلديه همان حاکم شهر باشد و دیگر رئیس بلديه لازم نیست در سابق هم بنده این پیشنهاد را کردم که رئیس بلديه عبارت از رئیس انجمن باشد و برای کارهای اداری بلديه يك مدير بیاورند این پیشنهاد بنده را در شور دوم کمیسیون داخله هم مورد توجه قرار داد ولی در این راپورت دیدم قید شده است که برای اداره بلديه مدیری دولت معین کند بنده خیال میکنم از نقطه نظر صرفه جوئی اگر ما قائل شویم که کاریکه مدیر بلديه میخواهد بکند بحاکم واگذار کنیم بهتر است بنا بر این عبارت یا پیشنهاد حاکم را بنده در اینجا زائد میدانم نوشته شده است به پیشنهاد اداره بلديه یا سه نفر از وکلای بلدی یا حاکم بنده عقیده ام اینست که پیشنهاد حاکم را از اینجا حذف کنیم زیرا هم صرفه جوئی شده است و هم برای حکام يك کاری پیدا میشود و هم نظری که وزارت داخله در حسن انتخاب رئیس بلديه خواهد داشت آن حسن انتخاب را برای حاکم منظور خواهد کرد

مخبر - بعضی از آقایان در نظر داشتند که حکام هیچ دخالتی در امور بلديه نداشته باشند و این نظری را که نماینده محترم راجع به صرفه جوئی اظهار فرمودند ممکن است همه کارها را بکنند برای اینسکه تقلیل در مخارج بشود بعلاوه حاکم يك وظایف مهمی دارد که منها وظایف و تکالیفش معلوم نشده است اگر چنانچه وظایفی معلوم شود تکالیف حکام زیاد است

و بعلاوه انجمن بلدی در حقیقت حاکم بر اداره بلديه است و يك وظایف و تکالیفی دارد که حکام چنانچه مسؤلیت اداره بلديه را قبول کردند در حقیقت در تحت حکومت انجمن بلدی واقع میشوند آنوقت وظایفی که حکام دارند با وظایف انجمن بلدی اصطلاحاً پیدا می کنند به این لحاظ هر چه در این قسمت کمتر دخالت داشته باشند برای منافع عمومی بهتر است از طرف دیگر این موضوع هم در آن ماده که مربوط بتعیین مدیر بلدی است ممکن است مطرح مذاکره شود اگر اختلاف نظری هست در اینجا حل شود

وزیر داخله - از نقطه نظر صرفه جوئی پیشنهاد آقای یاسائی گمان میکنم صحیح باشد ولی از نقطه نظرهای دیگر تصور نمیکم این کار در همه جا عملی بشود چون حکام يك وظایفی دارند که خارج از حوزه بلديه است و ناچار باید انجام بدهند حالا شاید خود وزارت داخله در بعضی جا این نظرها داشته باشد ولی عقیده بنده این است که این موضوع را بخود وزارت داخله واگذار کنند و اگر بخواهیم بطور کلی این موضوع را در قانون ذکر کنیم گمان نمیکم عملی باشد

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض می کنم این پیشنهاد آقای یاسائی از روی يك حسن نیتی بود و بنده تصور میکنم که اگر ما يك مقداری اختیارات حکام را کم کنیم خیلی بهتر است زیرا حکام اختیارات وسیعی دارند همین قضیه نظام اجباری و سجل احوال برای عملیات آنها کافی است و دیگر محتاج نیست که بلديه را هم بآنها واگذار کنیم ما کاملاً مأمورین ولایات را میشناسیم ما میخواهیم يك بلديه داشته باشیم که ملی باشد و مأمورین آن اشخاصی باشند که برای مردم کار کنند و بنده عقیده ام این است که يك مقداری از اختیارات حکام بکاهیم و به بلديه بدهیم و صرفه جوئی هم جایش در این جا نیست

رئیس - آقای کازرون هم مخالفند؟

کازرون - بلی

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم
رئیس - موافقی ندارد؟

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
رئیس - پیشنهادهای قرائت میشود
(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای باسائی - بنده پیشنهاد میکنم عبارت
(به پیشنهاد کتبی اداره بلدییه) حذف شود
رئیس - آقای باسائی

باسائی - کویا برای بعضی از آقایان در اظهارات
بنده سوء تفاهمی حاصل شده بنده عرض کردم چون
غالب آقایان میگویند حکام در ولایات کاری ندارند بنا
بر این بایستی اصلاً دوائر حکومتی را منحل کرد عقیده
بنده این است که رئیس بلدییه لازم نیست عرض کردم
که رئیس بلدییه هر جائی هم حاکم باشد و هم رئیس بلدییه
مثلاً رئیس بلدییه طهران حاکم شهر طهران هم باشد این
چه اشکالی دارد و چه نماسی با قانون اساسی یا سایر قوانین
دارد...

روحی - جایش اینجا نیست

باسائی - جایش هم همین جا است برای اینکه اگر
بنا باشد پیشنهاد بلدییه و حاکم نوشته شود معنی این
است که اداره بلدییه يك رئیس علیحده دارد که میتواند
پیشنهاد بدهد حاکم هم میتواند بدهد و این موضوعی را
که بنده عرض کردم از این نقطه نظر است حالا هم اصراری
ندارم و اگر آقایان بکفداری بیشتر در این مسئله وقت
بفرمایند تصدیق خواهند فرمود که اگر ما بخواهیم صرفه
جوئی کرده باشیم باید يك کاری کنیم که همان رؤسای
بلدییه شهرها حاکم آن شهر باشند

رئیس - آقای مخبر

مخبر - منوط به رأی مجلس است

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را...

عراقی - بکمرتبه دیگر قرائت شود
(مجدداً بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می
دانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر
(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۳۲ بترتیب
ذیل نوشته شود: لوایحی که در انجمن مطرح میشود
بر حسب پیشنهاد کتبی اداره بلدییه که بتصدیق حاکم
رسیده باشد و یا تقاضای کتبی ثلث اعضاء انجمن خواهد
بود.

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - غرض از این ماده تعیین نوع لوایحی است
که باید مطرح شود در مجلس شورای ملی مطالبی که
معارض میشود دو قسمت است بالاجحه است با طرح
لايحه از طرف دولت پیشنهاد میشود طرح باامضای عده
از نمایندگان پیشنهاد میشود انجمن بلدی هم در مقام
خودش همینطور است لوایحی را که اداره بلدییه تهیه می
کند حاکم باید آن ها را تصدیق کند بعد در انجمن
مطرح شود و در حقیقت حاکم مسؤل در آن حوزه است
مثل يك وزیری که مسؤل حوزه وزارت خانه خودش
است قسم دوم که بمنزله طرح است باید لااقل ثلث
اعضاء آن را امضا کنند و البته میزان ثلث هم بنسبت
اعضاء انجمن بلدی تغییر میکنند و بالاخره ممکن است
که این ثلث بسه نفر هم برسد مثلاً جائی که اعضاء
انجمن بیست و یک نفر است سه نفر کافی نیست که يك لایحه
را امضا کنند بنابر این اگر بخواهیم بکمرتبه معینی را برای
همه جا معین کنیم نمیشود حالا اعم از اینکه در مواد بعد تصویب شود
که حاکم رئیس بلدییه باشد یا نباشد باید این قید را
بکنیم که لوایح اداره بلدییه را حاکم تصدیق کنند.

فیروز آبادی - در اینجا يك مطلبی را استثناء کرده‌اند
که چون کلمه استثناء درش نیست مطلب روشن نمیشود
بنده کلمه مکرراً اضافه کردم که مطلب صریح شود و گمان
میکم بد نباشد

مخبر - بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد دیگر

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود به پیشنهاد حاکم
محل که سمت ریاست اداره بلدییه را داراست باسائی
رئیس - آقای باسائی

باسائی - بنده عرض نکردم که بلدییه رئیس نمیشود
بلدییه رئیس میشود و رئیس او رئیس انجمن است
که از طرف ملت یعنی از طرف اهالی آن شهر انتخاب
میشود رئیس اداره بلدییه باید فهمید که غیر از رئیس
انجمن بلدییه است يك روزی هم همین مباحثه را کردیم که ما
رئیس اداره بلدییه را اسمش را بگذاریم مدیر بلدییه و این
همان کسی است که وزارت داخله به پیشنهاد انجمن بلدییه
از همان اهالی محل انتخاب میکند و بنده خیال میکنم
که اگر بغیر از ریاست بلدییه که سمت ریاست انجمن را
دارد يك مدیر دیگر و رئیس دیگری از طرف انجمن معین
نکنیم از نقطه نظر صرفه جوئی بهتر است شما رأی میدهید
که يك رئیس اداری علیحده داشته باشیم وزارت داخله
هم يك منتظر خدمتی را معین میکند که اگر صد تومان
دویست تومان عایدی برای بلدییه ها در ولایات هست
از بابت حقوق آنها محسوب شود و بالاخره چیزی بمصرف
شهر نمیرسد پس از نقطه نظر تقلیل تشکیلات اداره بلدییه
هیچ ضرری ندارد که بگوییم حاکم هر شهر مدیر بلدییه
آن شهر هم باشد به این جهت بنده این پیشنهاد را کردم
حالا بسته است بنظر آقایان

مخبر - در موقعیکه مواد قبل مطرح مذاکره بود تصویب مجلس
مقدس رسید نماینده محترم شریف نداشتند و بنا بر این کویا
متذکر نیستند که در مواد گذشته يك وظایف و تکالیفی برای
حکام در موقع انتخابات انجمن بلدی در تعیین نظار و

یعنی هر دو قسمت را عجاله حاکم تصدیق کند تا در
آنبه به بینیم چه باید کرد ولی بطور کلی بنده با فرمایشات
آقای باسائی مخالف هستم که میگویند رئیس بلدییه در
هر جائی حاکم محل باشد اگر اعزام حکام بولایات
موقوف شود مطلب دیگری است ولی رئیس بلدییه که
در يك اداره ملی میخواهد کار کند باید مأمور رسمی
دولتی تفاوت زیادی دارد

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - بنده عقیده ام این است که چون
انجمن بلدی يك مؤسسه ملی است این قدر اشکال رایش نکنیم
در ماده نوشته شده است که اداره بلدییه پیشنهاد هائی
بکند که با امضای رئیس بلدییه آن پیشنهاد ها در
انجمن بلدی مطرح شود اینجا چه احتیاج داریم که
حکومت را هم اضافه کنیم آنوقت هر پیشنهادی که
از طرف بلدییه میشود همیشه بر میخورد بيك اشکالی یا
آقای حاکم امضا نمیکند یا طور دیگر میشود بالاخره ما
باید يك کاری بکنیم که جریان کارها عادی تر باشد
بیج و وایدیش کمتر باشد از آن طرف يك مطلبی که
مورد احتیاج و رضایت اهالی شهر است این را لزومی ندارد
که ثلث اعضاء پیشنهاد بکنند سه نفر هم پیشنهاد بکنند
کفایت میکند و حق دارند که همان پیشنهاد سه نفر
را مطرح کنند

رئیس - آقایانیکه با این پیشنهاد موافقت قیام فرمایند
(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی
(اینطور خوانده شد)

بنده ماده ۳۲ را بطریق ذیل اصلاح و پیشنهاد میکنم
و مذاکرات انجمن بلدی محدود است به دستوری که
در جلسه قبل معین شده مگر در صورتیکه ثلث اعضاء
حاضر نا آخر ماده

رئیس - آقای فیروز آبادی

رئیس -- رأی گرفته میشود ماده بیست و دو با
اصلاحی که آقای فیروز آبادی کردند و آقای مخبر هم
قبول کرد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد

بعضی از نمایندگان -- ختم جلسه

رئیس -- این لوایحی که آقای رئیس الوزراء تقدیم
کرده اند تکلیفش را باید معلوم کنیم بکمیسیون مالیه و
کمیسیون بودجه مراجعه شود؟

جمعی از نمایندگان -- صحیح است

رئیس -- جلسه آنبه روز سه شنبه

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

کشیدن قرعه و دعوت و کلاء بلدی معین شد و حالا اگر
بخواهیم بگوئیم رئیس بلدیہ حاکم است بنده نمیدانم
چه صورتی پیدا میکند

باسائی -- اگر این پیشنهاد بنده منافات دارد با
موادی که تصویب شده مسترد میدارم

رئیس -- پیشنهاد آقای روحی جایش اینجا نیست

روحی -- قرائت شود

(شرح آنی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که بجز در چهار ایالت که عبارت از
آذربایجان، شیراز، کرمان، خراسان باشد در سایر
مملکت رؤسای بلدیہ انتخاب حاکم آن شهر
باشند.

رئیس -- مربوط به این ماده نیست

روحی -- پس باشد در فوقمش بنده توضیح میدهم